

Submit Date: 14 April 2026
Revise Date: 11 July 2026
Accept Date: 18 July 2026
Initial Publish: 20 July 2026
Final Publish: 23 August 2027

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

The Consequences of Goods Smuggling for Iran's Economy

Farhad Khederveysi¹, Garineh Keshishyan Siraki^{2*}, Bahram Zahedi³

1. PhD Student, Department of Political Science, SR.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran

2. Department of Political Science and International Relations, ST. C. Islamic Azad University, Tehran, Iran

3. Department of Political Science and International Relations, SR.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran

* Corresponding Author's Email: G.keshishyan@iau.ir

ABSTRACT

Goods smuggling is a multidimensional and pervasive phenomenon that has confronted Iran's economy with serious challenges. Owing to Iran's geographical conditions and extensive borders, this phenomenon continues to provide opportunities for many individuals to earn illicit profits. Despite the enactment and amendment of laws, the imposition of civil and criminal sanctions, and revisions to relevant policymaking approaches, goods smuggling continues to expand and persist. This study aims to examine and analyze the consequences of goods smuggling for Iran's economy. The research question is: How does goods smuggling affect Iran's economy? The findings indicate that smugglers disrupt gross domestic product growth, weaken domestic manufacturing industries, reduce economic growth, increase inflation and unemployment, contribute to national capital flight and declining investment, increase government expenditures, expand the underground economy, and raise the costs of formal imports. These effects occur through the evasion of tariffs and taxes; the depletion of foreign exchange reserves; the inefficient use of scarce resources; the bankruptcy of manufacturing enterprises; the establishment of parallel and illegal supply and distribution chains; the transfer of liquidity and capital to underground and concealed markets; money laundering and the weakening of financial-system transparency; the imposition of human, administrative, and logistical costs; capital outflows and the weakening of productive investment; the diversion of public financial resources toward the importation of goods; the misuse of preferential foreign exchange for imports; and the creation of numerous informal-sector jobs lacking insurance coverage and employment security.

Keywords: goods smuggling, economy, unemployment, economic policies

How to cite: Khederveysi, F., Keshishyan Siraki, G., & Zahedi, B. (2027). The Consequences of Goods Smuggling for Iran's Economy. *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, 5(3), 1-18.



تاریخ ارسال: ۲۵ فروردین ۱۴۰۵
 تاریخ بازنگری: ۲۰ تیر ۱۴۰۵
 تاریخ پذیرش: ۲۷ تیر ۱۴۰۵
 تاریخ چاپ اولیه: ۲۹ تیر ۱۴۰۵
 تاریخ چاپ نهایی: ۱ شهریور ۱۴۰۶

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقه

پیامدهای قاچاق کالا بر اقتصاد ایران

فرهاد خدرویی^۱، گارینه کشیشیان سیرکی^۲، بهرام زاهدی^۳

۱. دانشجوی دکتری، گروه علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۳. گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

* پست الکترونیک نویسنده مسئول: G.keshishyan@iau.ir

چکیده

قاچاق کالا پدیده‌ای چند وجهی و فراگیر است و اقتصاد ایران را با مشکلات جدی مواجه کرده است. این پدیده به دلیل شرایط جغرافیایی و مرزهای طولانی ایران، همچنان مامنی برای کسب سود غیرقانونی برای عده زیادی از افراد است و با وجود تصویب و اصلاح قوانین، مجازات‌های جزایی و کیفری و تجدیدنظر در سیاستگذاری‌ها، همچنان رشد و تداوم دارد. این پژوهش با هدف بررسی و تحلیل پیامدهای قاچاق کالا بر اقتصاد ایران انجام می‌شود. سوال تحقیق: قاچاق کالا چگونه بر اقتصاد ایران تأثیر می‌گذارد؟ یافته‌ها نشان می‌دهد که قاچاقچیان با عدم پرداخت تعرفه و مالیات، خروج ذخایر ارزی، اتلاف منابع کمیاب، ورشکستگی بنگاه‌های تولیدی، تشکیل زنجیره‌های عرضه و توزیع موازی و غیرقانونی، انتقال نقدینگی و سرمایه به بازار زیرزمینی و پنهان؛ پول شویی و تضعیف شفافیت نظام مالی، تحمیل هزینه‌های انسانی، اداری و مکانی، خروج سرمایه و تضعیف سرمایه‌گذاری مولد، وادار کردن دولت به اختصاص منابع مالی برای واردات کالا، سوء استفاده از ارز رانتی برای واردات، ایجاد مشاغل متعدد در بخش غیررسمی و فاقد بیمه و امنیت شغلی، موجب اختلال در روند تولید ناخالص داخلی، تضعیف صنعت تولید داخلی، کاهش رشد اقتصادی، افزایش تورم و بیکاری، فرار سرمایه ملی و کاهش سرمایه‌گذاری، افزایش هزینه‌های دولت، گسترش اقتصاد زیرزمینی و افزایش هزینه واردات رسمی می‌شوند.

کلیدواژه‌گان: قاچاق کالا، اقتصاد، بیکاری، سیاست‌های اقتصادی

مانند جعل اسناد، پرداخت رشوه به مأموران دولتی و ورود و خروج کالا از مبادی غیررسمی، مرتکب جرم قاچاق کالا می‌شوند و با تصاحب سودهای کلان، آسیب‌های جدی به اقتصاد ایران وارد می‌کنند. هدف از تألیف این پژوهش، شناخت دامنه و پیامدهای قاچاق کالا بر اقتصاد ایران است. اما تنها به شناخت شاخص‌های اقتصادی که تحت تأثیر پیامدهای نامطلوب قاچاق کالا هستند، اکتفا نمی‌شود و چگونگی این تأثیرات هم تشریح و تحلیل خواهد شد. لذا پژوهش با دو هدف عمده انجام می‌شود. یکم، تأثیر قاچاق کالا بر حوزه‌های اقتصاد ایران و دوم، شناخت چگونگی این تأثیرات. سؤال اصلی پژوهش عبارت است از: قاچاق کالا چگونه بر اقتصاد ایران تأثیر می‌گذارد؟ در این پژوهش، از روش توصیفی - تحلیلی استفاده می‌شود. متغیر مستقل، قاچاق کالا و متغیر وابسته، اقتصاد ایران است. برای انجام این پژوهش، از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی استفاده شده است.

پیشینه تحقیق

درباره مسئله قاچاق کالا، مقالات، کتب، پایان‌نامه و گزارش‌های زیادی انجام شده است و هرکدام از آثار به جنبه‌هایی از این مشکل پرداخته است. اما درباره پیامدهای قاچاق کالا بر اقتصاد ایران، کارهای زیادی صورت نگرفته است. از جمله آثار تولیدشده در این حوزه عبارت است از:

جدول ۱. پیشینه پژوهش

ردیف	نام خانوادگی مؤلف یا مؤلفان	تاریخ انتشار	عنوان	خلاصه	نقد اثر
۱	طریقی	۲۰۱۷	بررسی تأثیر قاچاق بر بیکاری	تأثیر قاچاق کالا بر فرصت‌های شغلی و از بین بردن انگیزه در میان تولیدکنندگان	مشخص نکردن چگونگی تأثیر قاچاق کالا بر فرصت‌های شغلی موجود و ارائه راهکارهایی کلی برای حل این مشکل
۲	جزمی و نیکوقدم	۲۰۱۷	بررسی اثر اقتصادی قاچاق کالا بر رشد اقتصادی ایران طی دوره ۱۳۹۴-۲۰۱۱	تأثیر مخرب قاچاق کالا بر جریان رشد اقتصاد ملی و رشد اقتصادی	-
۳	محسنی	۲۰۲۱	پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پدیده قاچاق	کاهش ارزش پول ملی، افزایش تورم، رشد نرخ بیکاری، اختلال در الگوی مصرف و...	خلاصه کردن پیامدهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی قاچاق در یک صفحه، عدم پدیده قاچاق

دستیابی به رشد، توسعه و رفاه مردم، از اهداف اصلی دولت‌هاست و آن‌ها برای نیل به این اهداف، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌هایی را در سطح خرد و کلان انجام می‌دهند. اما عملکرد هر نظام اقتصادی برای تحقق توسعه و پیشرفت، منوط به کارایی و رفع موانع و مشکلاتی است که دولت‌ها لاجرم باید با آن مواجه شوند. یکی از این موانع که عمدتاً در کشورهایی با اقتصاد سایه و غیرشفاف مشاهده می‌شود، مسئله قاچاق کالا است. قاچاق کالا در کشورهایی مانند ایران قدمتی دیرینه دارد و به دلیل وسعت جغرافیایی، راه‌ها و میان‌برهای متعدد، فقدان قوانین جامع، فقدان سیاست‌گذاری و نظارت مناسب و فرهنگ سودجویانه، همچنان یکی از معضلات اصلی و زیربنایی اقتصاد ایران محسوب می‌شود و تداوم و افزایش میزان آن در سال‌های اخیر، لطمات جبران‌ناپذیری به اقتصاد ایران وارد کرده است.

قاچاق کالا در ایران پدیده‌ای است که اگرچه مبدأ آن شهرهای مرزی، به‌خصوص در جنوب کشور است، اما آثار و شمول آن همه شهرهای کشور را دربرمی‌گیرد. انگیزه اصلی قاچاق کالا، سود و منفعت هنگفت از سوی قاچاقچیان است که می‌دانند ورود و خروج کالا از طریق قانونی و پرداخت تعرفه‌ها، به آن‌ها سود چندانی نمی‌رساند. لذا با نقض قوانین و بهره‌گیری از شیوه‌هایی

پرداختن به چگونگی تأثیر قاچاق بر این پیامدها و پرداختن به موضوعات فرعی				
۴	حیدرزاده	۲۰۱۷	بررسی رابطه بین قاچاق کالا و اشتغال در ایران	قاچاق کالا منجر به کاهش اشتغال و افزایش اشتغال منجر به کاهش قاچاق کالا در ایران می‌شود.
۵	احمدزاده	۲۰۱۱	بررسی و تحلیل آثار و پیامدهای قاچاق مواد مخدر، کالا و ارز با تأکید بر استان خراسان رضوی	قاچاق کالا باعث کاهش انگیزه‌های سرمایه‌گذاری در بخش تولیدی، رواج پول‌شویی، تضعیف فرهنگ کار و مشکلات بهداشتی می‌شود.
۶	حیدری	۲۰۱۷	تأملاتی بر نقش قاچاق کالا در اقتصاد کشور و بازکاوی نقش مبارزه با قاچاق در نهادهای ساز اقتصاد مقاومتی	قاچاق کالا بر تولید، واردات، مصرف، سرمایه‌گذاری، صادرات، اشتغال، تحرک سرمایه، بهره‌وری و نابرابری درآمدی مؤثر است.
۷	فضلی و صادقی	۲۰۱۳	قاچاق کالا و اثرات اجتماعی - اقتصادی آن بر نظام‌های اجتماعی	این پژوهش ضمن پرداختن به علل و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری پدیده قاچاق و معرفی کانون‌های عمده آن در کشور، به بررسی اثرات اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی آن و ارائه راهکارهایی در راستای مبارزه با این پدیده پرداخته شده است.
۸	توکلی	۲۰۲۰	اثرات قاچاق کالا بر ناامنی اقتصادی و اجتماعی	عدم پرداخت حقوق و عوارض دولتی، برهم خوردن تعامل بازار رقابتی، سودآوری زیاد و فساد مالی و اخلاقی، مختل شدن تولید کشور، بروز ارتشا و فساد در نظام اداری و عدم مدیریت صحیح دولت بر امور اقتصادی

واژه قاچاق، کلمه‌ای ترکی است که از واژه «قاچماق» به معنی فرار کردن مشتق شده است (Dehkhoda, 1994). قاچاق در لغت به معنای تردستی و کاری است که پنهانی انجام شود و قاچاقچی هم فردی است که در ظاهر قانون برای ورود کالا یا صدور آن، حيله و تقلب انجام می‌دهد (Amid, 1996). در لغت‌نامه دهخدا، این کلمه «آنچه وارد آن به کشور و یا معامله آن از طرف دولت ممنوع است»، معنا شده است. برخی دیگر از نویسندگان آن را به معنای «کاری برخلاف قانون که به صورت پنهانی انجام می‌شود، یا متاعی که در معامله یا ورود آن به کشور ممنوع است»، دانسته‌اند (Moein, 1992).

فرهنگ لغت وبستر، علاوه بر نقاط فوق، عوامل دیگری نیز به این تعریف افزوده است، بدین ترتیب که قاچاق: وارد کردن یا خارج کردن اقام ممنوع، انسان از کشور برخلاف قانون و با قصد تقلب و حيله‌گری، واردات و صادرات بدون پرداخت مالیات‌های مقرر

مروری بر آثار ذکر شده نشان می‌دهد که بعضی از تحقیقات، تأثیر قاچاق کالا بر اشتغال یا رشد اقتصادی را بررسی کرده‌اند، دسته‌ای دیگر پیامدهای قاچاق کالا را به صورت حاشیه‌ای و بدون ورود به جزئیات بررسی کرده و بخشی از تحقیقات هم به جنبه‌های سیاسی، امنیتی قاچاق کالا و نقش اقتصاد مقاومتی در مبارزه با قاچاق کالا پرداخته‌اند. بنابراین، این پژوهش از دو جنبه دارای نوآوری است: در بعد اول، مقاله صرفاً بر پیامدهای قاچاق کالا بر اقتصاد ایران تأکید دارد و از پرداختن به موضوعات دیگر، مانند عوامل قاچاق کالا، صرف‌نظر می‌کند و در بعد دوم، چگونگی تأثیر قاچاق کالا بر شاخص‌های اقتصادی، مانند بیکاری، تورم، تولید، رشد اقتصادی و... را تحلیل می‌کند.

چارچوب نظری

قاچاق کالا در ایران

قاچاق کالا و گمرک در ایران سابقه‌ای دیرینه دارد و برای نخستین بار در دوران هخامنشیان، دریافت عوارض جنبه عملی به خود گرفت. گریشمن ضمن بررسی منافع مالی دولت هخامنشی می‌نویسد: «در اسکله، بنادر و میدان‌های فروش و نیز در تجارت داخلی عوارض وصول می‌شد» (Yektai, 1976). بعدها، در دوران اشکانیان و ساسانیان، از کالاهای واردشده به سرزمین ایران، عوارض و مالیات دریافت می‌شد.

بعد از ورود اسلام به ایران، به واسطه گسترش تجارت، قاچاق کالا و گمرک بیش از گذشته مدنظر دولت‌ها قرار گرفت؛ چنان‌که در دوران صفویه اصلاحاتی جدی برای مقابله با قاچاق کالا توسط شاه‌عباس و در بندرعباس، بندرلنگه و جزیره هرمز، ادارات گمرکی انجام شد. با این حال، قاچاق کالا در دوره‌های بعد هم به صورت یک مشکل اساسی برای اقتصاد و امنیت ایران به جا ماند و تصویب قوانین و اصلاحات متعدد در دوره‌های مختلف، از جمله اصلاحات گمرکی مسیو نوز بلژیکی در دوره مظفرالدین‌شاه، قانون مجازات مرتکبین قاچاق ۱۹۲۷ و قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب ۱۹۳۳ هم نتوانست به کاهش یا حل این معضل کمک کند. در دوران بعد از انقلاب اسلامی، قاچاق کالا به انحای مختلف و از مرزهای زمینی، دریایی و هوایی، آسیب‌های جدی به اقتصاد ایران وارد کرد و قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری نهادهایی مانند مجلس، مجمع تشخیص مصلحت نظام، ستاد مبارزه با قاچاق کالا، گمرک و قوه قضاییه برای حل مشکل قاچاق با بن بست مواجه شده است.

برآوردها از میزان قاچاق کالا در ایران متفاوت است. مرکز پژوهش‌های مجلس در سال ۲۰۲۴ اعلام کرد که «حجم اقتصاد غیررسمی در این سال به حدود ۳۲ میلیارد دلار رسیده است». این در حالی است که سعید نیرومند، معاون اداره کل مقابله و رصد جریان مالی ستاد مبارزه با قاچاق کالا، در ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۳، در یک

توسط قانون و همچنین انتقال یا راهنمایی کردن به روش نهایی برای وارد یا صادر کردن هر چیزی برخلاف قانون معنا گردیده است (Merriam, 2025).

یکی از گسترده‌ترین تعاریف، قاچاق را این‌گونه تعریف می‌کند: «آن دسته از فعالیت‌های اقتصادی و درآمد حاصل از آن‌ها که مقررات، مالیات یا نظارت دولتی را دور می‌زنند یا به هر نحوی از آن اجتناب می‌کنند» (Schneider et al., 2010).

در کتاب ترمینولوژی حقوق نیز قاچاق در معانی ذیل به کار رفته است:

الف - حمل و نقل کالا از نقطه‌ای به نقطه‌ای، خواه دو نقطه مزبور در داخل کشور باشد «قاچاق داخلی»، خواه یک نقطه در داخل و یک نقطه در خارج باشد که آن را قاچاق خارجی می‌گویند، برخلاف مقررات مربوط به حمل و نقل، به‌طوری‌که این عمل ناقض ممنوعیت یا محدودیتی باشد که قانوناً مقرر شده است، خواه عمل مزبور ناقض امتیاز یا انحصاری باشد، خواه نه؛ مثلاً صدور و ورود اجناس مجاز بدون دادن عوارض گمرکی، قاچاق عوارض گمرکی است و حمل و نقل اجناس در داخل کشور بدون دادن عوارض بلدی، عنوان قاچاق عوارض بلدی را دارد. اعمال مقدماتی صدور اجناس مزبور هم عنوان قاچاق را دارد.

ب - خرید و فروش و یا نگهداری اجناس مذکور فوق (ماده دوم قانون راجع به فروش اجناس ممنوعه مصوب ۱۹۳۵).

ج - اجناس مذکور فوق که مورد فعل قاچاق قرار می‌گیرد نیز عنوان قاچاق را دارد و فاعل فعل قاچاق را قاچاقچی می‌گویند (Jafari Langaroudi, 2013).

در اصطلاح گمرکی، منظور از قاچاق، گریزانیدن کالا از مالیات و عوارض به دولت است و یا فرار دادن کالا از شمول مقررات دولتی و نقل و انتقال و خرید و فروش آن به‌طور غیرمجاز و ممنوع است (Rostami Siahoui, 2021).

برنامه رادیویی پیرامون اعلام اعداد و ارقام متفاوت از سوی مجلس و ستاد در خصوص میزان ارزش قاچاق کالا در کشور گفت: بر اساس آخرین برآوردهای انجام شده، میزان قاچاق حدود ۱۹/۸ میلیارد دلار تخمین زده می شود؛ از این میزان، ۱۴ میلیارد دلار مربوط به قاچاق ورودی و ۵/۸ میلیارد دلار نیز ارزش کالاهایی است که به صورت غیرقانونی از کشور خارج می شود (Yousefi, 2024).

گرچه میان میزان آمار اعلام شده توسط بانک مرکزی و ستاد مبارزه با قاچاق کالا تفاوت وجود دارد، اما در این که قاچاق کالا هر ساله تشدید می شود و آسیب های جبران ناپذیری به کشور وارد می کند، شکی وجود ندارد. این آسیب ها در حوزه های مختلف امنیتی، اقتصادی، اجتماعی و بهداشتی بارز است. با این حال، حوزه اقتصاد به دلیل ماهیت قاچاق کالا، بیشترین تأثیر را از این پدیده شوم داراست و یکی از علل توسعه نیافتگی اقتصاد ایران، تداوم قاچاق کالا است.

پیامدهای قاچاق کالا

اخلال در روند تولید ناخالص ملی

تولید ناخالص ملی (GNP) یک معیار اقتصادی است که معمولاً با جمع هزینه های مصرف شخصی، سرمایه گذاری داخلی خصوصی، هزینه های دولتی، صادرات خالص و هرگونه درآمد حاصل از سرمایه گذاری های خارجی ساکنان، منهای درآمد حاصل از ساکنان خارجی محاسبه می شود. صادرات خالص نشان دهنده تفاوت بین صادرات یک کشور، منهای واردات کالاها و خدمات است. با توجه به این که معاملات انجام شده در بخش زیرزمینی، مانند قاچاق، گزارش نمی شوند و در آمارهای رسمی نیز ثبت نمی شوند، این موضوع دقت اندازه گیری های کلیدی اقتصادی را مخدوش می کند. تولید ناخالص داخلی از مجموع چهار جزء زیر محاسبه می شود:

$$GDP = PS + BS + GS + NE$$

تعریف متغیرهای معادله فوق نیز به صورت زیر است:

مخارج شخصی (PS)

مخارج تجاری (BS)

مخارج دولتی (GS)

خالص صادرات (NE).

با توجه به معادله فوق، معاملات مربوط به قاچاق کالا در محاسبات مربوط به تولید ناخالص داخلی وارد نمی شود و سبب کم نمایی در ارائه مقدار واقعی تولید ناخالص داخلی می شود. به عنوان مثال، برآورد شده است که با وارد کردن فعالیت های مربوط به اقتصاد زیرزمینی به اقتصاد رسمی در انگلستان، حدود ۴ درصد، حدود ۱۲۰ میلیارد دلار، به حجم تولید ناخالص داخلی این کشور افزوده می شود. از جنبه سیاست گذاری، این کم نمایی در مقدار تولید ناخالص داخلی بسیار مهم است، زیرا تولید ناخالص داخلی یک متغیر کلان اقتصادی است و برای محاسبه بسیاری از متغیرهای دیگر نیز به کار می رود. همچنین، سیاست های پولی و مالی نیز بر مبنای سطح تولید ناخالص داخلی محاسبه می شوند و وجود قاچاق کالا سبب مبهم شدن آمارها و داده های اقتصادی می شود. در چنین وضعیتی، حتی اگر سیاست های پولی و مالی به طور صحیح اجرا شوند، بازهم نمی توانند به نتایج و پیامدهای مورد انتظار برسند. به عنوان مثال، بانک مرکزی برای تعیین نرخ بهره و اجرای سیاست های پولی و مالی به این اعداد متکی است. در صورتی که عدد تولید ناخالص داخلی دقیق نباشد، چنین تصمیم گیری های سیاستی می توانند تأثیر ضعیف تر یا حتی نامطلوبی بر اقتصاد داشته باشند. بنابراین، از جنبه حسابداری ملی، وجود قاچاق کالا سبب کم نمایی در مقدار واقعی اندازه اقتصاد می شود (Zara Nejad et al., 2023).

تضعیف صنعت تولید داخلی

حمایت اقتصادی هر کشور وابسته به تولید بوده و تولید مهم ترین عامل پویایی سرمایه های مالی و انسانی است، زیرا تولید به اندازه ای در رشد مؤلفه های ارزشی و اجتماعی مؤثر است که اگر سطح آن

می‌شود؛ چراکه لازمه ورود به این سازمان، افزایش کیفیت و رقابت‌پذیری کالاهای تولیدی در مقایسه با اجناس مشابه خارجی و رفع موانع تولید است و اگر با این آسیب‌ها مقابله جدی نشود، پیوستن به سازمان مذکور نیز دشوارتر خواهد شد (Vatanpour, 2008).

از دیگر تأثیرات منفی قاچاق کالا بر تولیدکنندگان، اختلال در توازن عرضه و تقاضاست؛ چراکه محصولات داخلی بر مبنای نیازهای کشور تولید می‌شود، اما ورود کالاهای مشابه به صورت قاچاق، توازن عرضه و تقاضا را برهم زده و در نتیجه، کالاهای قاچاق و غیراستاندارد، بدون تحمل هزینه‌های مکان و مالیات و عدم رعایت استاندارد، با تبلیغات واهی جای کالاهای داخلی را گرفته و تولیدکنندگان را با خطر تعطیلی واحدهای تولیدی و نابودی سرمایه‌های در گردش آنان مواجه کند (Maddah, 2008).

پدیده شوم عرضه کالای قاچاق مشکلات اقتصادی را تشدید می‌کند، زیرا برنامه‌ریزی‌های تولیدی و بازرگانی را با مشکل مواجه می‌کند و با توجه به تأثیرات مخرب آن، همچون بی‌ثباتی اقتصادی و اختلال در برنامه‌ریزی اقتصادی، به اقتصاد کشور آسیب وارد می‌کند. عرضه کالای قاچاق به کاهش تولیدات صنعتی منجر می‌شود و فرصت‌های سرمایه‌گذاری برای ایجاد اشتغال مولد و مؤثر در رشد تولید ناخالص ملی را از بین می‌برد. رواج کالای قاچاق و سرمایه‌گذاری در این بخش، به دلیل سودآوری بسیار زیاد آن، موجب می‌گردد که سیاست‌گذاری در امور تولیدی و اشتغال‌زا کاهش یابد؛ در نتیجه، تولیدات ملی و داخلی که توان کافی برای رقابت با تولیدات مشابه خارجی را ندارند، آسیب می‌بینند و در برخی مواقع نیز به زیان‌دهی، ورشکستگی و در نتیجه، به تعطیلی فعالیت واحدهای تولیدی منجر می‌گردند. از طرف دیگر، توزیع کالای قاچاق در سطح جامعه، سیاست‌های تجاری را خنثی می‌کند و در تخصیص و مصرف ارز اختلال به وجود می‌آورد. دولت براساس وضعیت ارزی کشور، سیاست‌هایی را در مورد حجم

پایین باشد، توسعه این مؤلفه‌ها به خطر خواهد افتاد. ابتکارات در سایه تولید شکل می‌گیرد، منابع در جهت ایجاد ارزش افزوده تجهیز می‌شود، فرصت اشتغال فراهم می‌شود، سطح درآمدهای ملی ارتقا می‌یابد، رفاه اجتماعی بیشتر می‌شود و امنیت اقتصادی حاکم می‌شود (Vatanpour, 2006).

تعرفه‌های مؤثر یکی از مهم‌ترین ابزارهای موجود در دست دولت‌ها به منظور حمایت از تولید و سرمایه‌گذاری داخلی است. در هیچ جای دنیا، اعمال تعرفه به منظور حمایت از صنایع داخلی و سرمایه‌گذاری را نادیده نمی‌گیرند و درعین حال، قاچاق، با پرداخت نکردن تعرفه در ورود و خروج کالاها، این چتر حمایتی، تعرفه مؤثر، از صنایع داخلی و سرمایه‌گذاری را از بین می‌برد و توان رقابتی محصولات داخلی با محصولات مشابه خارجی را کاهش می‌دهد.

محصولاتی که به صورت قاچاق وارد کشور می‌شوند، با شرایط راحت‌تری از قبیل قیمت و کیفیت با محصولات داخلی رقابت می‌کنند و این به زیان تولید داخلی و در نهایت، باعث کاهش انگیزه سود برای سرمایه‌گذاران می‌شود (Seif, 2008). در نتیجه، تولیدات ملی و داخلی که توان کافی برای رقابت با تولیدات مشابه خارجی را ندارند، آسیب می‌بینند و در برخی مواقع نیز به زیان‌دهی، ورشکستگی و در نهایت، به تعطیلی فعالیت آن واحدهای تولیدی منجر می‌شوند. کاهش تولید داخلی ناشی از قاچاق سبب کم شدن رقابت‌پذیری می‌شود و کشوری که رقابت‌پذیری در آن کم باشد، سهمش از کل صادرات اجناس کم و به واردات اضافه می‌شود. کاهش اشتغال در بخش تولید با افزایش جذب نیروی کار در بخش‌های دیگر اقتصادی غیرقابل‌جبران است. با کاهش بهره‌وری و تنزل اقتصادی، تراز پرداخت‌ها رو به وخامت می‌گذارد و عقب‌ماندگی صنعتی نسبت به رقبای بازماندن از توسعه در معیارهای جهانی اتفاق می‌افتد و در نتیجه، پیوستن کشور به سازمان تجارت جهانی با تأخیر مواجه

واردات و صادرات وضع می‌کند، ولی ورود و متعاقباً عرضه کالای قاچاق، اهداف دولت در توازن تجاری و سیاست‌های بازرگانی اتخاذشده را بی‌اثر می‌کند؛ زیرا کالای قاچاق بر اقتصاد ملی هزینه ارزی تولید می‌کند؛ بنابراین، تأثیر عرضه کالای قاچاق بر تولید ناخالص ملی کاملاً ملموس است (Momeni, 2017).

زمانی که تولید با کاهش سودآوری مواجه می‌شود، اولین واکنش بنگاه اقتصادی، توقف طرح‌های توسعه و کاهش هزینه‌هاست. این امر به معنای کاهش سرمایه‌گذاری در بخش تولید است. کاهش سرمایه‌گذاری نیز به نوبه خود منجر به کاهش نوسازی ماشین‌آلات، افت بهره‌وری و در بلندمدت، خروج بنگاه از گردونه رقابت و ورشکستگی می‌شود.

همچنین، سیاست‌های حمایتی مانند ممنوعیت واردات، در برخی موارد نه به رونق تولید، که به انحصار و قاچاق سازمان‌یافته دامن زده است. در این الگو، برخی تولیدکنندگان بزرگ یا نهادهای ذی‌نفوذ، با سوءاستفاده از رانت ناشی از ممنوعیت‌ها، اقدام به واردات غیررسمی کالا با برندهای خارجی یا حتی با نشان تجاری جعلی می‌کنند. این کالاها اغلب از مبادی رسمی، گمرکات، و با جعل اسناد وارد می‌شوند و عملاً تولیدکننده واقعی را به رقیب خود تبدیل می‌کند. در چنین شرایطی، هدف حمایت از تولید داخلی کاملاً نقض می‌شود.

افزایش تورم

افزایش تورم، پدیده‌ای پولی و یکی از شاخص‌های منفی اقتصاد است که با افزایش قیمت‌ها همراه است. نکته مهم درباره تورم آن است که افزایش قیمت‌ها باید به صورت مستمر و مداوم باشد و چنانچه، بعد از دوره‌ای زمانی، قیمت‌ها با کاهش مواجه شد، به این فرایند تورم اطلاق نمی‌شود. تورم از مشکلات اساسی اقتصاد ایران، به خصوص در چند سال اخیر، است و طبق آمار سایت ترید اکونومیک، نرخ تورم سالانه در ایران در اکتبر ۲۰۲۵ به ۴۸/۶ درصد افزایش یافته است (Mohseni, 2021). همچنین، طبق گزارش

مرکز آمار ایران، نرخ تورم سالانه در اوت ۲۰۲۵ به ۳۶/۳ درصد رسیده است. این نرخ برای دهک‌های مختلف هزینه‌ای بین ۳۵/۸ درصد، دهک دهم، تا ۳۶/۸ درصد، دهک اول، در نوسان بوده است.

قاچاق کالا از چند جهت بر میزان تورم در اقتصاد ایران تأثیر می‌گذارد. جنبه اول، در کاهش درآمدهای گمرکی و مالیاتی دولت است، زیرا کالاهایی که به صورت قاچاق وارد کشور می‌شوند، شامل هیچ نوع تعرفه گمرکی، عوارض و مالیات بر ارزش افزوده نمی‌شوند و دولت را از این منابع هنگفت محروم می‌کنند. کاهش درآمدهای دولت هم موجب افزایش کسری بودجه می‌شود و دولت وادار می‌شود برای جبران این آسیب، به چاپ پول روی آورد. چاپ پول و افزایش نقدینگی باعث می‌شود تا مردم به سراغ خرید کالاهای سرمایه‌ای بروند و بدین طریق، تولید در روند اقتصاد به حاشیه می‌رود و گسترش سوداگری در بازار، تورم را افزایش می‌دهد.

دیگر عامل تأثیر قاچاق کالا بر افزایش تورم را باید در کاهش تولید داخلی و اختلال در بازار جست‌وجو کرد. به این معنی که کالاهای قاچاق به دلیل عدم پرداخت هزینه‌های قانونی، مانند تعرفه‌ها و عوارض، نسبت به کالاهای تولیدشده در داخل ارزان‌تر فروخته می‌شوند و رقابت ناعادلانه‌ای با تولیدات داخلی دارند. در نتیجه، تولید داخلی با کاهش مواجه شده و زنجیره عرضه کالا با اختلال مواجه می‌شود. کمبود عرضه کالا در درازمدت، با افزایش تقاضا همراه خواهد شد و به افزایش قیمت‌ها منجر می‌شود. همچنین، قاچاق کالاهایی مانند مواد غذایی و سوخت به خارج از کشور، میزان تقاضا برای این کالا را افزایش داده و زمینه‌ساز تورم محصولات و منابع اصلی می‌شود.

در بعد سوم، باید به رابطه خروج ارز و تورم توجه کرد؛ چراکه قاچاقچیان برای خرید کالا در خارج از کشور، ارز را از ایران خارج می‌کنند و خروج ارز به میزان زیاد، موجب کاهش ذخایر ارزی،

مانند مالیات بر درآمد، سود و سود سرمایه، تکیه دارند، کشورهای درحال توسعه بیشتر به مالیات‌های غیرمستقیم، از جمله مالیات بر تجارت بین‌المللی، متکی هستند. این موضوع به این دلیل است که هزینه‌های اداری و اجرایی مالیات‌های غیرمستقیم نسبت به مالیات‌های مستقیم پایین‌تر است؛ در نتیجه، در محیط‌هایی با کیفیت نهادی پایین‌تر، مانند کشورهای درحال توسعه، وضع مالیات غیرمستقیم آسان‌تر است. بنابراین، قاچاقچیان با اجتناب از وظایف قانونی و مالیات‌ها/تعرفه‌ها، یک بار اضافی به بودجه دولت تحمیل می‌کنند. به‌طور طبیعی، فعالیت‌های آن‌ها توانایی دولت را برای ارائه کالاهای عمومی کاهش می‌دهد، به‌ویژه در کشورهای درحال توسعه، به این دلیل که آن‌ها بیشتر بر مالیات‌های غیرمستقیم تکیه دارند. این موضوع می‌تواند عواقب مضر برای دولت در مورد ارائه کالاهای عمومی داشته باشد. این در حالی است که عرضه کالاهای عمومی، بهره‌وری شرکت‌ها را در بخش رسمی اقتصاد افزایش می‌دهد. بنابراین، قاچاق از طریق اتلاف منابع کمیاب دارای اثر منفی بر بهره‌وری، توسعه و رشد اقتصادی است (Nikouqadam & Jazmi, 2017).

افزایش بیکاری

تنها راه گریز از مشکل اشتغال، بهبود فضای کسب‌وکار است که این فضا در کشور ما در رده‌های پایین بین کشورهای درحال توسعه قرار دارد. این مسئله ناشی از افزایش جمعیت مستعد کار و ناکافی بودن فرصت‌های شغلی برای نیروی کار بوده و با تداوم وضع موجود، سالانه ۳۵۰ تا ۴۰۰ هزار نفر به جمعیت بیکار اضافه می‌شود (Momeni, 2017).

در کشور ما برای مقابله با بحران بیکاری و تبدیل آن به یک فرصت اقتصادی، باید سالانه یک میلیون فرصت شغلی پایدار ایجاد شود، این در حالی است که در بهترین سال‌ها عملکرد آن به ۵۰۰ هزار فرصت شغلی نرسیده است. بر اساس آمار سازمان بین‌المللی کار، هر یک میلیارد دلار قاچاق کالا، ۱۰۰ هزار فرصت شغلی را در

کاهش ارزش پول ملی و افزایش نرخ ارز می‌شود. در این شرایط، قیمت کالاها به تبعیت از افزایش نرخ ارز گران می‌شود و موج تورم دامنه اقتصاد ایران را دربرمی‌گیرد.

کاهش رشد اقتصادی

رشد اقتصادی، افزایش تولید کالاها و خدمات اقتصادی در یک دوره نسبت به دوره قبل است. رشد اقتصادی بر اساس تولید ناخالص ملی (GNP) یا تولید ناخالص داخلی (GDP) اندازه‌گیری می‌شود، اما گاهی اوقات از معیارهای جایگزین نیز استفاده می‌شود (Potters, 2026).

قاچاق کالا خطراتی را برای رشد اقتصادی و توسعه پایدار به همراه دارد. تجارت غیرقانونی و بازارهای غیرقانونی نه تنها پناهگاه‌های امن و قابل سوءاستفاده‌ای برای قاچاقچیان فراهم می‌کنند، بلکه نقدینگی غیرقانونی را نیز برای مقامات فاسد فراهم می‌کنند. در نتیجه، قاچاق کالا و دسترسی گسترده به نقدینگی غیرقانونی، مانع از دستیابی بازارهای عادلانه و آزاد به پتانسیل کامل اقتصادی خود شده و حاکمیت دولت را تهدید می‌کند. همه این فعالیت‌های تجاری غیرقانونی تأثیر اقتصادی دارند، زیرا پول و سایر منابع را از ترازنامه مشاغل قانونی به ترازنامه مشاغل غیرقانونی منتقل می‌کنند. در عوض، درآمد و دارایی‌های ملی که برای تأمین مالی آینده در نظر گرفته شده‌اند، اختلاس می‌شوند و توانایی جوامع و مشاغل را برای انجام سرمایه‌گذاری مختل می‌کنند (Mashiri & Sebele-Mpofu, 2018).

از سویی، قاچاق شامل هزینه‌ای است که این هزینه‌ها را می‌توان به دو دسته کلی هزینه‌های واقعی و هزینه‌های پولی تقسیم‌بندی کرد. هزینه‌های واقعی قاچاق از انتقال عوامل تولید، مانند سرمایه و نیروی کار، به بخش‌های غیرقانونی و مخفی اقتصاد و هزینه‌های پولی به دلیل فرار از مالیات و تعرفه به وجود می‌آید. درآمدهای مالیاتی منبع بیشتر درآمدهای دولت در بسیاری از کشورها هستند، درحالی‌که کشورهای توسعه‌یافته بیشتر بر مالیات‌های مستقیم،

کشور مقصد از بین می‌برد و درحالی‌که ایران با بحران بیکاری و روند روزافزون فعالان جویای کار روبه‌روست. بر این اساس، حتی با فرض صحت همان آمار ۱۵ میلیارد دلاری قاچاق در دولت یازدهم، یک میلیون و پانصد هزار شغل بر اثر قاچاق از بین رفته است (Yousefi, 2024).

تأثیر قاچاق کالا بر تولید ناخالص کاملاً ملموس است. افت تولیدات صنعتی بر اشتغال در جامعه تأثیرات نامطلوبی دارد و مشکل اشتغال را دامن می‌زند. با ۲ میلیارد دلار ارزش قاچاق کالا در ایران، می‌توان دویست هزار فرصت شغلی ایجاد کرد. بنابراین، قاچاق کالا فرصت سرمایه‌گذاری برای ایجاد اشتغال مولد و مؤثر در رشد تولید ناخالص ملی را از بین می‌برد. از سوی دیگر، اگر ارزش کالاهایی مانند فرآورده‌های نفتی قاچاق شده به کشورهای دیگر را با یارانه‌های تخصیص داده شده برای آن‌ها در نظر بگیریم، به رقم بسیار هنگفتی خواهیم رسید که به کمک آن می‌توانیم فرصت‌های شغلی فراوانی برای بیکاران تأمین کنیم (Seif, 2008).

افرادی که به فعالیت قاچاق کالا می‌پردازند، بدون پرداخت هزینه‌های قانونی و عوارض گمرکی، کالاهای خود را وارد و صادر می‌کنند؛ لذا می‌توانند سودهای کلانی را نسبت به کسانی که از مبادی قانونی اقدام به صادرات و واردات می‌کنند، به دست آورند و حتی در مواردی، سود ناشی از فروش کالای قاچاق وارداتی بیشتر از تولید داخلی همان کالا است؛ لذا این شرایط موجب می‌گردد ثروت قابل‌توجهی در اختیار قاچاقچیان قرار گیرد. با توجه به اصول علم اقتصاد و این‌که هدف اصلی هر بنگاه حداکثرسازی سود است، بسیاری از بنگاه‌ها با مشاهده این وضعیت، از تولید با هزینه‌های بالا صرف‌نظر کرده و ترجیح می‌دهند همانند سایر قاچاقچیان، با هزینه‌های کمتر اقدام به ورود کالا نموده و خود را از هزینه‌های بالای تولید رها کنند. بنابراین، در میان مدت و بلندمدت، بسیاری از تولیدکنندگان داخلی از جرگه

تولید جدا شده و با هدف کسب سود بیشتر و رهایی از هزینه‌های بالای تولید، اقدام به واردات کالا از مبادی غیرقانونی و قاچاق نمایند. در بلندمدت، بنگاه‌ها از رسالت اصلی خود که همان تولید کالا است جدا شده و به واردکننده کالا تبدیل می‌گردند. با کاهش تولید و در مواردی متوقف شدن تولید، بنگاه‌ها دیگر نیازی به نیروی انسانی همانند گذشته ندارند و به تدریج برای کاهش هرچه بیشتر هزینه‌ها، نه تنها اقدام به استخدام کارگر جدید نمی‌کنند، بلکه اخراج کارگران نیز در دستور کار آنان قرار می‌گیرد (Tarighi, 2017).

طبق تئوری‌های رشد اقتصادی، یکی از نهادهای مهم برای رشد انباشت سرمایه و سپس سرمایه‌گذاری در اقتصاد است. با مقرون به صرفه بودن فعالیت قاچاق نسبت به تولید داخلی، صاحبان سرمایه در داخل کشور حاضر به سرمایه‌گذاری در تولید نبوده و این امر منجر به خروج سرمایه از جریان تولید می‌شود. عدم سرمایه‌گذاری و تولید هم زمینه افزایش بیکاری را فراهم می‌کند (Tarighi, 2017).

فرار سرمایه ملی و کاهش سرمایه‌گذاری

تعریف جامع و همه‌گیر فرار سرمایه‌های ملی از کشور، متناسب با کاربرد آن دارای معانی مختلفی بوده؛ برخی هرگونه خروج سرمایه را از کشورهای در حال توسعه، فرار سرمایه می‌دانند، درحالی‌که خروج سرمایه از کشورهای توسعه یافته را سرمایه‌گذاری خارجی در سایر کشورها تلقی می‌نمایند. خروج سرمایه‌ها در بخش خصوصی رابطه مستقیمی با عدم اطمینان سیاسی و اقتصادی کشور میزبان دارد و اصولاً فرار سرمایه در کنترل دولت داخل کشور میزبان است. فرار سرمایه غالباً یک پدیده و جریان غیرعادی بوده و ارتباط منطقی با متغیرهای کلان اقتصادی ندارد. فرار سرمایه‌ها غالباً به موضوع خروج خصوصی سرمایه مرتبط بوده و قاچاق آن به خارج از مرز تلقی می‌شود. روش‌های فرار سرمایه مختلف بوده که می‌توان به خروج ارز، صادرات ارز، قاچاق کالا، خروج

فعالیت‌های مولد و اشتغال‌زا تفاوت چشمگیری دارد. پس نه تنها عرضه کالای قاچاق منجر به ضرر سرمایه‌گذاری ایرانی می‌گردد، بلکه باعث می‌شود که سرمایه‌گذاران با دیدن فضای ناامن اقتصادی، سرمایه‌های خود را به خارج از کشور منتقل کنند (Heydarzadeh, 2017).

افزایش هزینه‌های دولت

امروزه بیشتر کشورها درگیر اعمال سیاست‌های اصلاح ساختاری برای تسریع روند توسعه اقتصادی و صنعتی‌اند. وجود آثار سوء قاچاق کالا بر سیاست‌های اقتصادی و تجاری، کشورها را بر آن داشته که با قاچاق کالا به شکل‌های مختلف مبارزه کنند. در کشورهایی نظیر ایران که مرزهای زمینی و دریایی طولانی دارند، مبارزه جدی با قاچاق کالا مستلزم تحمیل هزینه‌های سنگین بر نظارت بر مرزها و ورود و خروج کالا است. با وجود این، دولت برای مقابله با آثار سوء این پدیده مذموم، ناگزیر از پذیرش این هزینه‌هاست تا بتواند کارکرد سیاست‌های اقتصادی و تجاری را مطابق اهداف پیش‌بینی‌شده به پیش ببرد. دولت برای مبارزه با قاچاق کالا، هزینه‌های سنگینی را متحمل می‌شود که بیشتر آن‌ها شامل ارزش‌گذاری ریالی نیست و برآورد ریالی آن‌ها و جبران خسارت‌های برخی از آن‌ها، مانند شهادت و مجروح شدن مأموران مبارزه با قاچاق و صدمات اقتصادی ناشی از ورشکسته شدن صنایع و نیز افزایش بیکاری و جرائم بعدی تحمیل‌شده بر جامعه، ناممکن است (Momeni, 2017).

انبارهای کالا در گمرکات با هزینه‌های دولت احداث و کالاهای کشف‌شده در آن‌ها نگهداری می‌شود و ارزش‌گذاری هزینه‌های اداری، نیروی انسانی، کارشناسی، دفتری، انبارداری و... آن‌ها در این بخش از هزینه‌های آزمایشگاهی مربوط نیز رقم‌هنگفتی است. هزینه‌های مراجع قضایی، تشکیل پرونده، دادرسی، اجرای احکام، تعزیرات حکومتی یا مراحل تجدیدنظر، اعم از حقوق و مزایا،

دارایی‌های نقدی، شامل پول و طلا، و فرار مغزها و سرمایه‌های انسانی اشاره نمود. فرار و خروج سرمایه هیچ‌گونه سودی برای کشور نداشته و معلول پدیده‌های اقتصادی - سیاسی است (Taheri, 2017).

پیامدی که در قاچاق خروجی، صادراتی، مشهودتر است، عبارت است از فرار سرمایه از کشور؛ چراکه قاچاقچیان کالاهای صادراتی، بدون سپرده پیمان ارزی، از کشور کالا خارج می‌کنند و ارز حاصله را از طریق سیستم بانکی به اقتصاد ملی برنمی‌گردانند. در واقع، قاچاق کالاهای صادراتی چیزی جز فرار سرمایه از کشور نیست. البته ممکن است ارز حاصله از فروش کالای قاچاق خروجی در خرید کالای قاچاق و ورود آن به کشور مصرف شود، ولی در هر صورت، از چرخه شفاف و قابل‌رصد خارج شده است (Rahimi et al., 2020).

عرضه کالای قاچاق، انگیزه سرمایه‌گذاری مولد اقتصاد را کاهش می‌دهد و در نتیجه، سرمایه به‌جای این‌که در امور مولد اقتصادی به کار رود و باعث تولید و اشتغال شود، به‌سوی قاچاق منحرف می‌شود. لذا بخشی از منافع در دسترس جامعه از چرخه اقتصاد مولد دور می‌شود. سرمایه‌گذاری در امور تولیدی، کلید رونق فعالیت‌های اقتصادی، رشد تولید ناخالص داخلی، افزایش اشتغال و رشد درآمد سرانه ملی است. رواج کالاهای قاچاق موجب می‌شود که سرمایه‌گذاری در امور تولیدی و اشتغال‌زا کاهش یابد؛ در نتیجه، زمینه اشتغال افراد و تولیدات ملی و داخلی کاهش یافته و منجر به کاهش درآمد سرانه و به تبع، گسترش بیش‌ازپیش فقر در جامعه شود. عرضه کالاهای قاچاق، علاوه بر کاهش سرمایه‌گذاری مولد، در مسیر سرمایه‌گذاری هم انحراف ایجاد می‌کند. در واقع، عرضه این نوع کالاها فرصت سرمایه‌گذاری برای اشتغال مولد و مؤثر در رشد تولید ناخالص داخلی را از بین می‌برد، زیرا قاچاق کالا در فرصت کوتاهی سود فراوانی نصیب سرمایه‌گذاران می‌کند که با سود حاصل از سرمایه‌گذاری در

امکانات اداری و ساختمانی و غیره، از دیگر هزینه‌های قاچاق در کشور است (Seif, 2008).

گسترش اقتصاد زیرزمینی

اقتصاد زیرزمینی بخشی از اقتصاد است که در مقابل اقتصاد رسمی و سالم کشور قرار می‌گیرد و به دلیل غیرشفاف بودن و ابهام، دور از نظر قوانین و مقررات عمل کرده و پایه‌های اقتصاد سالم را تضعیف می‌کند. قاچاق کالا به عنوان یکی از ارکان اصلی اقتصاد غیررسمی یا زیرزمینی عمل می‌کند. این فعالیت‌ها عموماً خارج از نظارت و گزارش‌دهی رسمی دولت انجام می‌شوند و در محاسبات اقتصادی ملی، مانند تولید ناخالص داخلی، منعکس نمی‌شوند. قاچاق کالا، زنجیره‌های عرضه و توزیع موازی و غیرقانونی ایجاد کرده و شبکه‌هایی از تولید یا واردات غیرقانونی تا فروش در بازارهای غیررسمی را شامل می‌شوند و به بخشی از ساختار اقتصادی زیرزمینی تبدیل می‌گردند. به علاوه، فعالان اقتصادی که از طریق قاچاق کالا فعالیت می‌کنند، معمولاً هیچ‌گونه مالیات یا عوارض قانونی پرداخت نمی‌کنند و این امر باعث تشویق دیگران به ورود به اقتصاد زیرزمینی برای فرار از مالیات می‌شود. در چنین شرایطی که قاچاق رونق می‌گیرد، فساد اداری و رشوه‌خواری در مرزها و نقطه‌های ورودی افزایش می‌یابد که خود به توسعه اقتصاد زیرزمینی کمک می‌کند و باعث تضعیف نهادهای نظارتی، گمرک، پلیس و سیستم قضایی، می‌شود.

از طرف دیگر، قاچاق کالا مشاغل متعددی در بخش غیررسمی ایجاد می‌کند، حمل و نقل غیرقانونی، فروشندگان دوره‌گرد و انبارداری غیرمجاز. این مشاغل فاقد حمایت‌های قانونی، بیمه و امنیت شغلی هستند. به علاوه، سودهای کلان حاصل از قاچاق، اغلب در بخش‌های غیرمولد، مانند سفته‌بازی در بازار ارز، مسکن یا طلا، سرمایه‌گذاری می‌شود و این روند، به جای تقویت تولید ملی، اقتصاد زیرزمینی و غیرمولد را گسترش می‌دهد.

از دیگر ابعاد تأثیر قاچاق کالا بر گسترش اقتصاد زیرزمینی، باید به تأثیر بر نظام بانکی و مالی اشاره کرد. پول‌شویی درآمدهای حاصل از قاچاق از طریق سیستم بانکی یا صرافی‌های غیررسمی انجام می‌شود. این فرایند، شفافیت نظام مالی را کاهش داده و اقتصاد زیرزمینی را با اقتصاد رسمی پیوند می‌زند. اقتصاد زیرزمینی ناشی از قاچاق، به بنگاه‌های رسمی که مالیات می‌پردازند و مقررات را رعایت می‌کنند، ضربه می‌زند. این موضوع می‌تواند موجب ورشکستگی تولیدکنندگان داخلی و کوچک‌تر شدن اقتصاد رسمی شود. به علاوه، قاچاق کالا به عنوان یک فعالیت اقتصادی، فرهنگ دور زدن قانون و بی‌اعتمادی به نهادهای دولتی را تقویت کرده و این نگرش به سایر حوزه‌های اقتصادی نیز سرایت کرده و اقتصاد زیرزمینی را گسترش می‌دهد.

به‌طورکلی، قاچاق کالا با ایجاد شبکه‌های موازی تولید و توزیع، فرار از مالیات و تضعیف حاکمیت قانون، به‌طور مستقیم اقتصاد زیرزمینی را گسترش می‌دهد. این پدیده همچنین با جذب سرمایه و نیروی کار به بخش غیررسمی، اقتصاد ملی را تضعیف کرده و کنترل‌پذیری سیاست‌های اقتصادی را کاهش می‌دهد و مقابله با این چالش نیازمند رویکردی جامع، شامل اصلاح مقررات گمرکی، شفاف‌سازی اقتصادی، تقویت تولید داخلی و مشارکت بین‌المللی برای کنترل مرزها، است.

افزایش هزینه واردات رسمی

تأثیر قاچاق کالا بر هزینه واردات رسمی به دو طریق صورت می‌گیرد: نخست آن‌که کالاهای مورد تقاضا در بازارهای داخلی را با کاهش تقاضاهای رسمی روبه‌رو می‌کند؛ بدین گونه که بخشی از این گونه کالاها از طریق قاچاق کالاهای وارداتی تأمین می‌شود و سود آن وارد بازار سیاه، خارج از اراده و کنترل دولت، می‌شود. بنابراین، سود عایدی دولت در مقایسه با هزینه واردات قانونی کالاها کاهش می‌یابد. از سوی دیگر، غیرتولیدی بودن کالاها قاچاق موجب تضعیف میزان تولید کالای داخلی می‌شود و بخشی

از کالاهای مصرفی که به طریق قاچاق وارد می‌شود، رونق تولید را می‌گیرد و دولت را در کم‌اهمیت‌ترین زمینه‌ها نیز به‌ناچار به واردات کالا وامی‌دارد. بدین ترتیب، دولت ناگزیر از آن می‌شود که منابع مالی ویژه‌ای را که بایستی در بخش تولید صرف شود، به واردات اختصاص دهد (Rahimi et al., 2020).

جدول ۲. چگونگی تأثیر قاچاق کالا بر اقتصاد ایران

ردیف	شاخص اقتصادی	شیوه‌های تأثیر
۱	اخلال در روند تولید ناخالص داخلی	عدم محاسبه معاملات مربوط به قاچاق کالا و کم‌نمایی در ارائه مقدار واقعی تولید ناخالص داخلی
۲	تضعیف صنعت تولید داخلی	۱. عدم پرداخت عوارض و مالیات، ارائه قیمت ارزان‌تر در بازار و تضعیف توان رقابت‌پذیری بنگاه‌های داخلی؛ ۲. اخلال در توازن عرضه و تقاضا؛ ۳. سوءاستفاده برخی بنگاه‌های تولیدی و نهادهای خاص از ارز رانته برای واردات.
۳	افزایش تورم	۱. کاهش درآمدهای گمرکی و مالیاتی دولت، کسری بودجه و چاپ پول؛ ۲. کاهش تولید داخلی، اختلال در بازار، کمبود عرضه و افزایش تقاضا؛ ۳. خروج ارز برای خرید کالا، کاهش ذخایر ارزی و گران شدن کالاها.
۴	کاهش رشد اقتصادی	۱. عدم پرداخت مالیات؛ ۲. انتقال نقدینگی و سرمایه به بازار زیرزمینی و پنهان؛ ۳. اتلاف منابع کمیاب.
۵	افزایش بیکاری	۱. ناتوانی بنگاه‌های تولیدی داخلی و ورشکستگی آن‌ها؛ ۲. انتقال سرمایه از جریان تولید.
۶	فرار سرمایه ملی و کاهش سرمایه‌گذاری	۱. خروج سرمایه و عدم بازگشت آن به اقتصاد ملی؛ ۲. ناامن شدن امنیت اقتصادی و تضعیف سرمایه‌گذاری مولد.
۷	افزایش هزینه‌های دولت	۱. شهادت و مجروح شدن مأموران مبارزه با قاچاق کالا؛ ۲. هزینه‌های نگهداری قاچاق کالا؛ ۳. هزینه‌های اداری، نیروی انسانی، کارشناسی، دفتری و نیروی قضایی.
۸	گسترش اقتصاد زیرزمینی	۱. تشکیل زنجیره‌های عرضه و توزیع موازی و غیرقانونی؛ ۲. ایجاد مشاغل متعدد در بخش غیررسمی و فاقد بیمه و امنیت شغلی؛ ۳. پول‌شویی و تضعیف شفافیت نظام مالی؛ ۴. ورشکستگی تولیدکنندگان داخلی و کوچک‌تر شدن اقتصاد رسمی.
۹	افزایش هزینه واردات رسمی	۱. کاهش سود عایدی دولت در مقایسه با هزینه واردات قانونی کالاها؛ ۲. ورشکستگی بنگاه‌های داخلی و اختصاص منابع مالی برای واردات کالا.

نتیجه‌گیری

تولیدات داخلی، افزایش تورم و بیکاری، کاهش رشد اقتصادی، فرار سرمایه و کاهش سرمایه‌گذاری، گسترش اقتصاد زیرزمینی، افزایش هزینه‌ها و کاهش درآمدهای دولت، گسترش واسطه‌گری و اقتصاد غیرمولد و افزایش هزینه‌های واردات رسمی، بخش عمده‌ای از این پیامدهای نامطلوب و مخرب است. با وجود تداوم و گسترش میزان قاچاق کالا و پیامدهای نامطلوب آن، بدیهی است که سیاست‌گذاری و عملکرد دستگاه‌های متولی موفقیت‌آمیز نبوده و ادامه این روند می‌تواند اقتصاد بیمار ایران را بیش‌ازپیش به قهقرا ببرد. لذا بازنگری جدی در قوانین، شیوه‌های نظارتی و کنترلی و

قاچاق کالا، پدیده‌ای چندبعدی است که از دیرباز اقتصاد ایران را با چالش‌هایی جدی مواجه کرده است و حاوی پیامدهای منفی امنیتی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و بهداشتی است. با وجود تصویب قوانین متعدد و افزایش کنترل توسط نهادهای نظارتی و تشدید قوانین کیفری علیه قاچاقچیان، پدیده قاچاق کالا همچنان منابع هنگفتی را تلف کرده و آسیب‌هایی جدی به حوزه اقتصاد وارد می‌کند. پیامدهای قاچاق کالا در حوزه اقتصاد بسیار گسترده است و اخلال در روند تولید ناخالص داخلی، تضعیف صنعت

✓ ایجاد فضای رقابتی و ارتقای کیفیت تولیدات داخلی، به‌خصوص درباره کالاهایی که تقاضای مصرف‌کننده برای خرید معادل خارجی آن بیشتر از کالای ایرانی است؛

✓ ایجاد سامانه‌های جامع و استفاده از فناوری کارآمد و پیشرفته برای رهگیری و شناسایی کالاهای قاچاق؛

✓ اصلاح سیاست‌های ارزی، از جمله تک‌نرخ کردن ارز، در جهت جلوگیری از سوداگری و دور زدن تعهدات ارزی؛

✓ اصلاح تدریجی یارانه‌های حامل انرژی و کاهش قیمت آن‌ها نسبت به کشورهای همسایه؛

✓ ارائه مشوق‌های مالی برای فعالان اقتصادی و برخورداری این فعالان از برخی معافیت‌ها در قبال شفافیت کامل مالی؛

✓ برخط بودن سامانه جامع انبارها در راستای ممانعت از ورود کالای قاچاق به زنجیره تأمین رسمی.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

Goods smuggling is a multidimensional and persistent economic phenomenon that affects the institutional, fiscal, productive, and commercial foundations of national economies. In Iran, the expansion of informal cross-border trade is facilitated by extensive land and maritime borders, multiple unofficial transit routes, unequal regional development, weaknesses in customs supervision, inconsistencies in tariff and foreign-exchange policies, and the high profitability of circumventing formal import and export procedures. Although smuggling has historically existed alongside the development of customs systems in Iran, its contemporary

قوانین جزایی و کیفری در مبارزه با قاچاق کالا لازم و انکارناپذیر است. بااین‌حال، تجربیات دهه‌های گذشته نشان داده است که برای کاهش میزان قاچاق کالا، راه‌حل‌های غیراقتصادی چندان موفق نبوده است و دستگاه‌های دست‌اندرکار برای کاهش پیامدهای این پدیده ویرانگر، بیشتر بر شیوه‌های اقتصادی اتکا کنند. از جمله راهکارها و پیشنهاد‌های مفید و عملی می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

✓ توجه به موضوع اشتغال و امرارمعاش شهروندان، به‌ویژه در مناطق مرزی که مأمین اصلی قاچاقچیان کالاست؛

✓ همکاری و سرعت عمل وزارتخانه‌های صمت، جهاد کشاورزی، اقتصادی و دارایی، بانک مرکزی و بانک‌های عامل و سایر دستگاه‌های ذی‌ربط باید در صدور مجوز برای واردات قانونی کالاهای مجاز؛

✓ اصلاح نظام تعرفه‌گذاری در مورد کالاهایی که در داخل تولید نمی‌شوند و قاچاقچیان با آگاهی از این موضوع و بدون پرداخت عوارض و تعرفه، این کالاها را به‌صورت غیرقانونی وارد می‌کنند؛

✓ تدوین برنامه جامع و عملیاتی برای مناطق آزاد تجاری - صنعتی و ویژه اقتصادی با هدف پیشگیری از واردات کالای قاچاق به این مناطق؛

scale has transformed it from an isolated criminal activity into a structural economic challenge. Estimates of the monetary value of smuggled goods differ because illegal transactions are concealed, unregistered, and methodologically difficult to measure; nevertheless, available evidence indicates that the volume of illicit trade has reached a level capable of substantially affecting domestic production, employment, public revenue, foreign-exchange reserves, investment, and macroeconomic policymaking (Yousefi, 2024; Zara Nejad et al., 2023). Smuggling generally refers to the unlawful importation, exportation, transportation, possession, or exchange of goods in violation of customs,

taxation, licensing, or trade regulations (Jafari Langaroudi, 2013; Merriam, 2025). From an economic perspective, it includes activities and revenues that evade government regulation, taxation, and administrative oversight, thereby becoming part of the shadow economy (Schneider et al., 2010). Because smuggling transfers commercial activity from regulated markets to concealed networks, it weakens transparency, distorts competition, creates incentives for rent-seeking and corruption, and limits the state's ability to design and implement coherent economic policies (Mohseni, 2021; Tavakoli, 2020).

The present study was conducted to identify and analytically explain the consequences of goods smuggling for Iran's economy. The principal research question was: How does goods smuggling affect the Iranian economy? The study did not merely seek to enumerate the economic indicators influenced by smuggling; rather, it aimed to clarify the causal and operational mechanisms through which illegal trade affects gross domestic product, domestic manufacturing, inflation, economic growth, unemployment, capital formation, public expenditure, the shadow economy, and the cost of formal imports. This distinction is important because much of the previous research has either concentrated on a single outcome, such as employment or economic growth, or has discussed economic consequences only briefly alongside political, social, cultural, or security dimensions. Earlier studies have shown that smuggling reduces employment opportunities, weakens producers' incentives, and redirects labor and capital toward informal activities (Heydarzadeh, 2017; Tarighi, 2017). Other investigations have demonstrated that smuggling negatively affects economic growth by reducing tax revenues, wasting scarce resources, and transferring financial flows from the formal economy to hidden markets

(Jazmi & Nikouqadam, 2017; Nikouqadam & Jazmi, 2017). Research has also identified consequences such as declining national currency value, inflation, money laundering, weakened work culture, reduced productive investment, and institutional corruption (Ahmadzadeh, 2011; Mohseni, 2021). Accordingly, the innovative contribution of this study lies in its exclusive focus on the economic consequences of goods smuggling and its integrated explanation of how these consequences interact and reinforce one another within the Iranian economic system. This research employed a descriptive-analytical design based on documentary and library research. Goods smuggling was considered the independent variable, while the Iranian economy and its major macroeconomic and institutional indicators constituted the dependent domain. Data were collected from books, journal articles, theses, legal and customs sources, government reports, statistical publications, and credible online materials. The analytical procedure consisted of identifying the principal economic outcomes associated with smuggling, reviewing the mechanisms reported in previous studies, comparing overlapping arguments, and organizing the findings into a coherent explanatory framework. Particular attention was given to the effects of unregistered transactions on national accounting, the relationship between tariff evasion and industrial competitiveness, the transmission of foreign-exchange outflows to inflation, the effects of informal profitability on productive investment, and the fiscal burden imposed on the government. Historical and legal sources were also reviewed to clarify the conceptual development of smuggling and the long-standing relationship between customs administration and illicit trade in Iran (Rostami Siahoui, 2021; Yekta, 1976). The study further drew on economic analyses of

shadow activities to explain why unrecorded transactions reduce the accuracy of official statistics and undermine monetary and fiscal decision-making (Schneider et al., 2010). To maintain analytical consistency, the identified consequences were classified into nine major categories: disruption of gross domestic product measurement, weakening of domestic production, inflation, reduction of economic growth, unemployment, capital flight and declining investment, increased government expenditure, expansion of the underground economy, and increased costs of formal imports.

The findings indicate that goods smuggling disrupts the calculation and interpretation of gross domestic product because illicit transactions are excluded from formal national accounts. This omission causes the actual scale of economic activity to be understated and reduces the reliability of indicators used by policymakers, central banks, and fiscal authorities (Zara Nejad et al., 2023). Smuggling also weakens domestic manufacturing because smugglers avoid customs duties, taxation, licensing costs, quality controls, and other regulatory expenses, allowing illegally imported goods to be sold at prices with which domestic producers cannot fairly compete. This unequal competition reduces profitability, interrupts production planning, distorts the balance between supply and demand, delays technological renewal, lowers productivity, and may ultimately lead to the bankruptcy and closure of manufacturing enterprises (Maddah, 2008; Seif, 2008; Vatanpour, 2008). Inflation is intensified through several channels: reduced customs and tax revenues increase fiscal pressure, production decline creates supply shortages, and foreign-exchange outflows weaken the national currency and raise the domestic prices of imported goods. Smuggling further reduces economic growth by transferring capital,

liquidity, and labor from productive and regulated activities to concealed and illegal markets, while tariff and tax evasion limit the government's capacity to provide infrastructure and public goods that support private-sector productivity (Mashiri & Sebele-Mpofu, 2018; Nikouqadam & Jazmi, 2017). Employment is negatively affected because declining production and profitability compel enterprises to suspend expansion, reduce recruitment, dismiss workers, or abandon manufacturing in favor of informal importing (Tarighi, 2017). These mechanisms demonstrate that smuggling is not an isolated trade violation but a cumulative process that undermines the principal foundations of sustainable economic performance.

The results further show that smuggling contributes to national capital flight and a long-term decline in productive investment. Export smugglers may transfer goods abroad without fulfilling foreign-exchange obligations and may retain the resulting revenues outside the formal banking system, while import smugglers use domestic foreign-exchange resources to purchase goods abroad without returning equivalent productive value to the economy. Even when these financial resources re-enter Iran, they often circulate through concealed markets and remain outside transparent fiscal and banking supervision. Because smuggling can generate faster and higher returns than manufacturing, investors may redirect capital away from production, technological modernization, employment creation, and long-term enterprise development (Heydarzadeh, 2017; Taheri, 2017). The government simultaneously incurs extensive direct and indirect costs, including border control, surveillance, customs inspections, warehousing, laboratory evaluation, administrative processing, judicial proceedings, enforcement, and compensation for human and institutional losses associated with anti-smuggling operations (Momeni,

2017; Seif, 2008). Smuggling also expands the underground economy by creating parallel supply and distribution chains, unregistered transportation and storage activities, informal employment without insurance or job security, money-laundering channels, and relationships between illegal capital and the formal banking system. These developments weaken regulatory institutions, normalize tax evasion, intensify bribery and administrative corruption, and encourage legal enterprises to abandon formal activity in order to survive. Finally, smuggling increases the cost of formal imports because it reduces official demand, diminishes state customs revenue, damages domestic production, and ultimately forces the government to allocate additional foreign-exchange and financial resources to legally import goods that could otherwise have been produced domestically (Rahimi et al., 2020). Goods smuggling constitutes a systemic economic threat whose consequences extend far beyond the immediate loss of customs revenue. It undermines the accuracy of national economic statistics, weakens domestic manufacturing, reduces competitiveness, increases unemployment, contributes to inflation, slows economic growth, encourages capital flight, discourages productive investment, expands the underground economy, increases public expenditure, and raises the cost of formal imports. These outcomes are mutually reinforcing: declining production reduces employment and tax revenues; lower revenues increase fiscal pressure; fiscal instability and currency depreciation contribute to inflation; inflation and uncertainty weaken investment; and reduced investment further contracts productive capacity. Consequently, an effective anti-smuggling strategy cannot rely exclusively on criminal penalties, border enforcement, or the physical seizure of illegal goods. Sustainable control requires an integrated economic and institutional

approach that improves employment and livelihoods in border regions, simplifies legal trade procedures, reforms tariff and foreign-exchange policies, reduces incentives created by multiple exchange rates, strengthens customs transparency, improves interagency coordination, modernizes tracking and inventory systems, supports competitive domestic production, and provides financial incentives for transparent economic activity. Gradual reform of energy subsidies, stronger oversight of free-trade and special economic zones, real-time monitoring of warehouses and supply chains, and the development of advanced technological systems for identifying and tracing goods are also necessary. The central policy implication is that smuggling will decline only when participation in the formal economy becomes more profitable, predictable, and institutionally secure than engagement in illegal trade.

References

- Ahmadzadeh, M. (2011). *An examination and analysis of the effects and consequences of smuggling drugs, goods, and currency with emphasis on Razavi Khorasan Province* Faculty of Letters and Humanities, Dr. Ali Shariati, Ferdowsi University of Mashhad]. Mashhad.
- Amid, H. (1996). *Amid Persian Dictionary*. Amirkabir Publications.
- Dehkhoda, A. A. (1994). *Dehkhoda Dictionary*. University of Tehran Press and Publishing Institute.
- Heydarzadeh, S. (2017). *Examining the relationship between goods smuggling and employment in Iran* Faculty of Economic Sciences, University of Mazandaran].
- Jafari Langaroudi, M. J. (2013). *Terminology of Smuggling*. Ganj-e Danesh Publications.
- Jazmi, M., & Nikouqadam, M. (2017). The effect of goods smuggling on Iran's economic growth during 1974–2011. *Hidden Economy Journal*, 1(3), 7–45.
- Maddah, M. (2008). Economic causes and consequences of goods smuggling in Iran and ways to confront it. *Economic and Political Information*(253-254), 306-315.
- Mashiri, E., & Sebele-Mpofu, F. Y. (2018). Illicit trade, economic growth and the role of Customs: A literature review. *World Customs Journal*, 9(2), 38-50.

- Merriam, W. (2025). Smuggling. <https://www.merriam-webster.com/thesaurus/smuggling>
- Moein, M. (1992). *Persian Dictionary*. Amirkabir Publications.
- Mohseni, H. (2021). Economic, social, political, and cultural consequences of the phenomenon of smuggling. *Hidden Economy Journal*(26-27), 29-43.
- Momeni, E. (2017). *Causes and effects of goods smuggling and strategies for combating it in order to realize the resistance economy* Faculty of Management and Economics, University of Qom].
- Nikouqadam, M., & Jazmi, M. (2017). The effect of goods smuggling and trade openness on economic growth in Iran. *Economic Research*, 53(2), 465-494.
- Potters, C. (2026). Understanding Economic Growth: Definition and Measurement. <https://www.investopedia.com/terms/e/economicgrowth.asp>
- Rahimi, K., Rezapour Sardareh, M., Mansouri, G., & Badi'i, H. (2020). The effects of smuggling on the national economy. *New Research in Humanities*(28), 1-9.
- Rostami Siahoui, M. (2021). *Examining situational prevention of the crime of smuggling goods and currency with emphasis on the Law on Combating Smuggling of Goods and Currency enacted in 2013* Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Bandar Abbas Branch]. Bandar Abbas.
- Schneider, F., Buehn, A., & Montenegro, C. E. (2010). *Shadow Economies All over the World: New Estimates for 162 Countries from 1999 to 2007* (Policy Research Working Paper, Issue.
- Seif, A. M. (2008). *Goods Smuggling in Iran*.
- Taheri, K. (2017). *Situational prevention of the crime of smuggling goods and currency with emphasis on supervision and inspection of the country's entry and exit channels* Faculty of Humanities, University of Bandar Abbas]. Bandar Abbas.
- Tarighi, S. (2017). The effect of goods smuggling on unemployment. *Hidden Economy Journal*, 1(2), 111-151.
- Tavakoli, J. (2020). The effects of goods smuggling on economic and social insecurity. *Qanun Yar Legal Research Journal*, 3(10).
- Vatanpour, A. (2006). *Goods smuggling and its effect on the national security of the Islamic Republic of Iran with emphasis on the role of the Law Enforcement Force in combating it* Faculty and Research Institute of Intelligence, Imam Hossein University].
- Vatanpour, A. (2008). Goods smuggling and its effect on the national economy. *Commercial Reviews*(28), 6-24.
- Yektaei, M. (1976). *History of Iranian Customs*. Danesh Publications.
- Yousefi, M. (2024, 2024/10/28). The volume of smuggling reached 31 billion dollars. <https://www.etemadnewspaper.ir/fa/main/detail/224306/>
- Zara Nejad, M., Karimi Kandouleh, M., & Ebrahimi, S. (2023). Estimating the volume of goods smuggling using structural equations and its effect on economic growth in Iran: Empirical evidence over the past half-century. *Economic Research Review*, 23(89), 90-130.